

ترکیه، پان ترکیسم و آسیای مرکزی

حمید احمدی*

استاد و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۲۴ آذر ۱۳۸۷ - تاریخ تصویب: ۱۷ شهریور ۱۳۸۸)

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیرات ایدئولوژی پان ترکیسم در آسیای مرکزی است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، بار دیگر امید نظریه پردازان و استراتژیست‌های پان ترکیسم را که پس از جنگ دوم در رابطه با پیشبرد پروژه برپایی یک امپراطوری ترک زبان در مناطق جنوبی شوروی دچار سرخوردگی و ناامیدی شده بودند، زنده کرد. این پژوهش با توجه به آرمان‌های پان ترکی در سیاست خارجی ترکیه و تلاش‌های پانزده ساله اخیر سیاستمداران و نخبگان فکری این کشور برای پیشبرد پروژه پان ترکیسم و اتحاد جمهوری‌های آسیای مرکزی، پیامد این تلاش‌ها و تأثیرات آن در آسیای مرکزی در نهایت واکنش کشورهای منطقه را به آرمان‌های پان ترکی تجزیه و تحلیل می‌کند. فرضیه اساسی پژوهش آن است که برخلاف ایده‌های اولیه، پان ترکیسم در ابعاد سیاسی خود پیشرفت چندانی نکرده و این مسأله ترکیه و سیاستمداران آن را دچار تردید کرده است. با این همه ترکیه در عرصه انتقادی و فرهنگی همچنان به پروژه امپراطوری‌سازی آینده امیدوار است.

کلیدواژه‌ها

ترکیه، پان ترکیسم، آسیای مرکزی، پان‌تورانیسم

* Email: hahmadi@gmail.com

مقدمه

هدف این پژوهش بررسی تأثیر ایدئولوژی پان‌ترکیسم بر سیاست خارجی ترکیه در آسیای مرکزی است. این پژوهش ضمن توضیح کوتاه پیرامون مفاهیم مربوط به بحث و مراحل رشد و تکوین ایدئولوژی پان‌ترکیسم، به نقش آن به عنوان ابزار پیشبرد منافع ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز تمرکز می‌کند. فرضیه اساسی پژوهش آن است که ایدئولوژی پان‌ترکیسم به عنوان ابزار پیشبرد نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی علی‌رغم تلاش‌های گسترده‌ای که صورت گرفته است با موانع گوناگونی مواجه شده و امروزه نقش محوری را در سیاست خارجی ترکیه در این منطقه بازی نمی‌کند. با این همه پان‌ترکیسم به عنوان یک ابزار سیاسی، در بعد فرهنگی خود همچنان در حاشیه سیاست خارجی ترکیه مطرح است و آن را باید به عنوان یک چالش بالقوه در نظر گرفت.

ناسیونالیسم ترک، پان‌ترکیسم، پان‌تورانیسم

بسیاری از پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل خاورمیانه در بررسی پان‌ترکیسم و رابطه آن با ترکیه، دارای دو برداشت نادرست هستند. نخست این‌که پان‌ترکیسم را یک ایدئولوژی منسجم می‌دانند و میان آن و سایر مفاهیم مربوطه تفاوت قائل نمی‌شوند و دوم این‌که در برقراری رابطه میان پان‌ترکیسم و دولت ترکیه به‌ویژه در دوران آتاتورک دچار اشتباه می‌شوند. در رابطه با برداشت نادرست رایج نخست باید به ذکر این نکته پرداخت که در مطالعات مربوط به ترکیه و دنیای ترک، به‌ویژه تا آنجا که به موضوع ترک‌گرایی و پان‌ترکیسم مربوط می‌شود، باید سه مفهوم اساسی را از یکدیگر جدا ساخت. نخست مفهوم ناسیونالیسم ترک که به ایدئولوژی ملی‌گرایانه رسمی ترکیه در دوران آتاتورک و پس از آن اشاره می‌کند و هدف آن ایجاد یک دولت ملی ترک در بقایای امپراطوری عثمانی و هویت‌سازی ترکی در چارچوب مرزهای آن بود. دوم واژه پان‌ترکیسم که در ادبیات مربوطه به گرایش ناسیونالیسم رمانتیک آن گروه از نخبگانی اشاره می‌کند که در پی ایجاد یک دولت واحد متشکل از ترکیه و مردمان ترک تبار منطقه (شامل قفقاز و آسیای مرکزی) هستند. سومین واژه که به لحاظ کاربرد و هدف با دو واژه نخست متفاوت می‌باشد، واژه پان‌تورانیسم یا تورانی‌گری است.

این واژه به نوعی ایدئولوژی رمانتیک کاملاً افراطی اشاره می‌کند که به زعم خود در پی اتحاد تمامی مردمان ترک تبار جهان از شرق چین تا شرق اروپاست (لاندو، ۱۳۸۵، صص ۲۵-۱۹). برخی از نخبگان فعال پان‌ترکیست به تفاوت‌های میان این‌گونه واژه‌ها اشاره‌هایی داشته‌اند که از چشم پژوهشگران مطالعات خاورمیانه دور مانده است. از آن جمله می‌توان به اندیشه‌های ضیاگوک آلپ از روشنفکران برجسته پان‌ترکیست اشاره کرد که میان واژه‌هایی چون پان‌ترکی، پان اوغوزیسم و پان‌تورانیسم تفاوت قایل شده و با این تفاوت استراتژی محافل پان‌ترکی را برای تحقق آرمان‌های آنها مشخص کرده بود (لاندو، ۱۳۸۵، ص ۷۶).

دومین برداشت نادرست رایج در میان علاقه‌مندان به مسایل خاورمیانه در ایران، آن است که گمان می‌کنند پان‌ترکیسم مخلوق کمال آتاتورک، رئیس‌جمهور ترکیه و ایدئولوژی سیاسی دوران زمامداری او بوده است. بر همین اساس برخی به خطا آتاتورک را ایدئولوگ و بنیانگذار پان‌ترکیسم تصور کرده‌اند (زیبا کلام، ۱۳۸۰، صص ۸۲-۶۹). این درحالی است که اصولاً کمال آتاتورک پس از تأسیس دولت ترکیه مدرن، مخالفت آشکار خود را با ایدئولوژی و اهداف پان‌ترکیسم اعلام کرد و برناسیونالیسم ترک تأکید داشت. به نظر آتاتورک ایدئولوژی پان‌ترکیسم مشکلات زیادی را برای ترکیه به‌ویژه امپراطوری عثمانی ایجاد کرده و عامل اصلی فروپاشی آن بوده است. به همین دلیل گروه‌های پان‌ترکیست در دوران حکومت آتاتورک نقش فعالی در سیاست‌های رسمی دولت نداشتند و در حاشیه جامعه ترکیه به فعالیت مشغول بودند.

ترکیه و پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی و قفقاز

فروپاشی شوروی تنها برای نخبگان و روشنفکران پان‌ترکیست فضای گسترده‌ای از امید و آرمان ایجاد نکرده، بلکه برای بسیاری از احزاب سیاسی و نخبگان ترکیه از جمله طرفداران کمال آتاتورک و حتی برخی گرایش‌های چپ و اسلام‌گرای ترکیه نیز وسوسه انگیز بود. استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و آینده آنها بار دیگر جریانهای پان‌ترکی را از حاشیه به متن سیاست‌های ترکیه کشاند. با این همه آنچه که اهمیت داشت، تبدیل شدن پان‌ترکیسم به ایدئولوژی سیاسی نخبگان حکومتی و تداوم حاشیه‌ای بودن نهادهای رسمی طرفدار پان‌ترکیسم نظیر حزب حرکت ملی آلپ ارسلان تورکش و طرفداران او بود. به عبارت دیگر بسیاری از

احزاب سیاسی مخالف پان ترکیسم پس از فروپاشی شوروی طرفداری از اتحاد جهان ترک یا سیاست جهان ترک را به ابزار کسب قدرت تبدیل کردند.

ضعف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و انزوای جمهوری‌های آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان از جهان خارج، سیاستمداران و احزاب سیاسی ترکیه را تشویق کرد تا با محور قرار دادن ترکیه درصدد جذب این کشورها و اتحاد آنها در چارچوب یک کشور بزرگتر باشند. البته باید به این نکته اشاره کرد که گرچه گرایش‌ها و محافل پان ترکی نظیر حزب حرکت ملی در ترکیه و یا جبهه خلق در جمهوری آذربایجان و هواخواهان آنها در دو کشور به طور آشکار مسأله اتحاد کشورهای تازه استقلال یافته را با ترکیه در چارچوب یک ساختار سیاسی جدید مطرح می‌کردند، اما احزاب قدیمی ترکیه نظیر حزب راه راست، مام میهن، احزاب اسلامی و دیگران به طور آشکار در پی این هدف نبودند و یا حداقل به دلیل نگرانی از دست نیافتنی بودن این هدف و واکنش احتمالی کشورهای دیگر به‌ویژه غرب، در برنامه‌های رسمی خود مسأله اتحاد کشورهای تازه تأسیس را با ترکیه مطرح نمی‌کردند.

نگرانی از احتمال واکنش تند جهان غرب و کشورهای قدرتمند منطقه چون چین و روسیه و ایران برخی از نظریه‌پردازان پان ترکیسم را نیز به جانب احتیاط کشاند و باعث شد آنها مسأله اتحاد سیاسی کشورهای ترک‌تبار منطقه را در زمره اهداف درازمدت خود در نظر گرفته و بر اتحاد فرهنگی و اقتصادی تأکید کنند و الحاق سرزمین‌های دارای اقوام ترک زبان در سایر کشورها را به مرحله نهایی واگذار کنند (زیان بدرالدین، ۱۳۸۵، صص ۴-۳۷۱).

گام‌های عملی در سیاست خارجی

گرچه دولت ترکیه از مدت‌ها پیش برنامه پیوستن به اتحادیه اروپا را به عنوان سیاست رسمی خود دنبال می‌کرد و این امر بیشتر در آموزه‌های ناسیونالیستی و نیز پان ترکیسم ریشه داشت که ترکیه را بخشی از تمدن غرب می‌دانست و در پی پیوستن به آن بود (گوگالپ، ۱۳۵۱)، اما با فروپاشی شوروی و سوسه آرمان‌های پان ترکی نیز بر سیاست خارجی ترکیه سایه افکند. این امر باعث شد ترکیه برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را برای نزدیکی بیشتر به کشورهای تازه استقلال یافته در پیش بگیرد. برنامه ترکیه به‌ویژه این بود که به کانال اصلی ارتباط این کشورها با غرب تبدیل شود و با کمک گرفتن از غرب و مشارکت در توسعه اقتصادی این

کشورها، زمینه نفوذ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را هموار کند. به این دلیل از همان آغاز سال‌های فروپاشی شوروی گام‌هایی را در این زمینه‌ها برداشت.

ترکیه بر آن بود که تا با نزدیک شدن بیشتر به کشورهای اروپایی و آمریکا نشان دهد که بهترین راه دورسازی کشورهای تازه استقلال یافته از بنیادگرایی اسلامی و روسیه، الگوگیری آنها از دولت سکولار آنکارا می‌باشد. از این طریق ترکیه هم می‌توانست از کمک‌های غرب برخوردار شود و هم از آنها به عنوان ابزار پیشبرد برنامه‌های پان‌ترکی استفاده کند.

ترکیه بر آن بود تا برنامه‌هایی شبیه به پروژه «منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه»^۱ که در اوایل دهه ۱۹۹۰ دارای یازده عضو از کشورهای اطراف دریای سیاه بود، برای کشورهای تازه استقلال یافته نیز سازماندهی کند تا در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، علمی، ارتباطات، کشاورزی، پزشکی و نظایر آن با یکدیگر همکاری کنند. در رابطه با کشورهای استقلال یافته شوروی، ترکیه از سال ۱۹۹۲ به بعد در تلاش بود تا از این کشورها در نهادهایی چون سازمان ملل، کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، سازمان همکاری اقتصادی (اکو)، منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه، سازمان کنفرانس اسلامی و ناتو دفاع کند و در صورت لزوم با عضو کردن آنها در برخی از این نهادها همچون اکو خود را به عنوان حامی اصلی کشورهای مذکور معرفی کند. ترکیه همچنین با سازماندهی کنگره‌های سالانه برای گردهمایی رهبران کشورهای تازه استقلال یافته به استثنای تاجیکستان، زمینه‌های همبستگی بیشتر خود را با آنها ایجاد کرد.

ترکیه در این اجلاس‌ها مسائلی نظیر ایجاد «بازار مشترک ترک»^۲، «بازار مشترک المنافع ترکی»^۳ و همچنین در جریان اجلاس آوریل ۱۹۹۲ کشورهای مذکور در بیشکک، تأسیس بانک سرمایه‌گذاری واحد^۴ را به منظور فراهم ساختن زمینه‌های توسعه اقتصادی این کشورها پیشنهاد کرد. در جریان نخستین گردهمایی کشورهای مذکور در آنکارا در ۱۹۹۲ نیز ترکیه تأسیس بانک توسعه برای آسیای مرکزی مسلمان را مطرح ساخت. علاوه بر شرکت‌های ترکی، ترکیه در تلاش بوده است از سرمایه‌گذاران خارجی از اروپا و آمریکا نیز کمک بگیرد. ترکیه در عرصه‌های دیگری چون مسأله ارتباطات، تلفن و تلگراف، آموزش دیپلمات‌ها، خدمات

^۱ . Black Sea Economic Cooperation Region (BSECR)

^۲ . Turkish Common Market

^۳ . Turkic Commonwealth

^۴ . United Investment Bank

بهداشتی، تخصص کشاورزی و مهارت‌های آماری و فنی قراردادهایی را با این جمهوری‌ها در اوایل دهه ۱۹۹۰ امضا کرد (لاندو، ۱۳۸۵، صص ۳۲۷، ۳۳۳).

ترکیه همچنین با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای، کانال‌های تلویزیونی خود را برای این جمهوری‌ها پخش کرده است. تا بدین وسیله زمینه آماده سازی جمهوری‌ها برای وحدت زبانی و خط را نیز هموار کند. امروزه اکثر شبکه‌های تلویزیونی ترکیه برای جمهوری‌های تازه استقلال یافته پخش می‌شود و از طریق برنامه‌های متنوع خود سعی در جذب افکار عمومی این جمهوری‌ها به خود دارد. علاوه بر شبکه‌های تلویزیونی از همان سال‌های ابتدایی استقلال، روزنامه‌های معروف ترکیه چون ملیت، زمان و ترکیه هزاران نسخه از شماره‌های خود را در این جمهوری‌ها توزیع می‌کرده‌اند.

ترکیه در زمینه‌های فرهنگی نیز تلاش‌های گسترده‌ای انجام داده که ایجاد مدارس و دانشگاه‌های جدید در این جمهوری‌ها و تلاش برای جذب دانشجویان کشورهای تازه استقلال یافته از آن جمله بوده است. ترکیه از این راه سعی کرده است تا نسل جوان این کشورها را با الگوی خود پرورش دهد. با این هدف ترکیه در ژوئیه ۱۹۹۳ کنفرانس دائمی رؤسای دانشگاه‌های جهان ترک را در آنکارا بوجود آورد تا در این زمینه برنامه‌ای نهادینه طراحی کنند. علاوه بر دولت ترکیه، موسسات خصوصی چون موسسه اوقاف دنیای ترک، موسسات وابسته به فتح‌الله گولن رهبر مذهبی ثروتمند ترکیه هم به تأسیس مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها برای ترویج زبان ترکی واحد در این کشورها دست زده‌اند.

از جمله اقدامات فرهنگی ترکیه در تمامی این جمهوری‌ها، تلاش برای تبدیل حروف روسی به لاتین بوده است. برخی از کشورها نظیر جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان در این زمینه اقدام کرده و همانند ترکیه حروف لاتین را به جای حروف روسی در نوشتن زبان بکار می‌گیرند. ترکیه همچنین از طریق نهادهای آموزشی به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش خود تلاش کرده است تا تاریخ واحدی را به عنوان تاریخ جهان ترک برای همه این کشورها تدوین کند. تدوین کتاب‌های تاریخ برای این جمهوری‌ها از جمله آن تلاش‌ها است. در این کتاب‌ها ضمن تلاش برای ارائه تاریخ مشترک، معرفی دشمن‌های مشترک نیز با هدف تشویق به همبستگی ترکی (Kazinform official News Agency, 2007) انجام شده است.

تمامی تلاش‌های ترکیه برای ایجاد اتحاد کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز با آنکارا در گردهمایی‌های سیاسی سران کشورهای مذکور که از سال ۱۹۹۲ به بعد هر از چند

گاه برپا می‌شود، جلوه‌گر شده است. سلیمان دمیرل نخست‌وزیر ترکیه در جریان سفر خود به منطقه در مه ۱۹۹۲ پیشنهاد برپایی این کنگره را داده بود (Mamedli, 2003). رهبران ترکیه و نخبگان احزاب گوناگون آن به منظور تشویق اندیشه اتحاد جمهوری‌ها و زمینه‌سازی برای آن سعی در ایجاد یک نهاد دائمی برای گردهمایی‌های سالانه داشته‌اند تا مشکلات گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همه کشورها طرح شده و برنامه لازم برای حل آنها و تدوین یک سیاست و برنامه مشترک خارجی و داخلی ارائه شود. این اندیشه سرانجام به تأسیس «کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورهای ترکی و اجتماعات ترک»^۱ منجر شد. نخستین اجلاس این کنگره در ۲۱ مارس ۱۹۹۳ در آنتالیا برگزار شد. در این اجلاس که نخست‌وزیر ترکیه و رهبران احزاب آن شرکت داشتند، بحث‌های مربوط به وحدت و هویت واحد ترک‌ها و ضرورت اتحاد آنها در ابعاد گوناگون مطرح شد. در جلسات دوم، سوم و چهارم آن نیز که در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ در ازمیر و مارس ۱۹۹۶ در آنکار برگزار شد، به همین موضوعات پرداخته شد.

گذشته از ترکیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته، بخش ترکی شمال قبرس و نمایندگانی از سایر جمهوری‌های روسیه نظیر تاتارستان، باشکورستان و یاقوت در آن شرکت دارند. علاوه بر این، گمان می‌رود که نمایندگانی نیز به‌طور آشکار یا پنهان از کشورهای دیگری همچون عراق، ایران و افغانستان و مانند آن در این جلسات شرکت داشته باشند. شخصیت‌های سیاسی دولت تورگوت اوزال، سلیمان دمیرال و تانسو چیلر و نیز رهبران گروه‌های اسلامی چون اردوغان و دیگران در این جلسات حضور داشته‌اند. گرچه این اجلاس‌ها بطور رسمی از سوی وزارت خارجه ترکیه برگزار نمی‌شود، اما حضور این شخصیت‌های رسمی و غیررسمی نشانه نفوذ عقاید و ایدئولوژی پان ترکی در سیاست خارجی ترکیه است.

علاوه بر این کنگره، سایر نهادهای دارای اهمیت پان ترکی در رابطه با کشورهای ترک زبان بوجود آمده‌اند. از جمله این‌ها می‌توان به بنیاد پژوهشی جهان ترک^۲، انجمن پژوهش‌های فرهنگی ترک^۳ و انجمن باشگاه‌های ترک^۴ اشاره کرد که تلاش کرده‌اند با جلسات دوره‌ای خود بخش‌های گوناگون نخبگان این جمهوری‌ها را گرد هم آورند. با این همه مهمترین این

^۱. Friendship, Brotherhood and Cooperation Congress of Turkish States and Turkish Communities.

^۲. Research Foundation of Turkish world

^۳. Turkish Cultural Research Association

^۴. Turkish clubs Association

نهادهای همان کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورهای ترک و اجتماعات ترک است که تاکنون یازده جلسه آن تشکیل شده است. جلسه یازدهم برخلاف سایر جلسه‌ها که همگی در ترکیه برگزار شده بود در باکو تشکیل شد. در اجلاس یازدهم تلاش شده بود تا با دعوت بیش از ۵۰۰ هیأت نمایندگی از ۳۰ منطقه و کشور جهان از جمله مغولستان، رومانی، بلغارستان، روسیه و کوزو دامنه مشارکت گروه‌های ترک زبان را گسترش داده شود (Radio Free Europe, Radioliberty, 2007).

در این اجلاس بود که رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر اسلام‌گرای ترکیه نیز شرکت کرد و مسایلی را مطرح کرد که در واقع سال‌ها در زمره برنامه‌های گروه‌های پان‌ترکی بود. اردوغان در این اجلاس که در ۱۷-۱۹ نوامبر ۲۰۰۷ در باکو تشکیل شد، خواستار ایجاد اتحادیه‌ای از کشورهای ترک زبان به عنوان ابزار اولیه هماهنگی برای اقدامات مشترک در سیاست خارجی آنها شد. وی همکاری و همبستگی این کشورها را راه موفقیت سیاست‌های آنها دانست و تأکید کرد «اگر ما با هم همکاری نکنیم آنها ما را از هم خواهند گسیخت» (Today Zaman, 2007).

این اجلاس در گزارش نهایی خود خواهان شکل‌گیری بنیادی علمی، ایدئولوژیک، نهادی و حقوقی برای ایجاد اتحاد کشورهای ترک زبان شد. موضوع خارج کردن بخش ترک‌نشین قبرس از انزوای بین‌المللی، تلاش برای تأمین حقوق ملی ترکمن‌های عراق، گسترش روابط همکاری میان سازمان‌های ملت‌های ترک زبان مقیم اروپا، ایجاد اتحادیه سیاسی-اقتصادی-اروپا-آسیا که در برگیرنده مناطق ترک‌نشین گرجستان و تاجیکستان نیز هست، کمک به ترک‌های گرجستان، تلاش برای شناسایی قتل‌عام خوجالی توسط ارمنه و حمایت از حاکمیت جمهوری آذربایجان بر ناگورنو - قره‌باغ از جمله مصوبه‌های این اجلاس بوده است.

در اجلاس دهم کنگره در نوامبر ۲۰۰۶ در شهر آنتالیا به پیشنهاد نور سلطان نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان طرح تأسیس «مجمع بین پارلمانی کشورهای ترک زبان» مطرح شد. این مجمع که نخستین جلسه خود را در نوامبر ۲۰۰۸ در استانبول برگزار کرد شامل روسای پارلمان‌های کشورهای آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکیه بود (Kardas, 2008).

در این جلسه عبدالله گل وزیر خارجه ترکیه به ضرورت اقدامات هماهنگ کشورهای ترک زبان برای گسترش اتحاد، پیشبرد صلح و ثبات و رفاه در منطقه اشاره کرد. پیش از اجلاس رؤسای پارلمان‌ها، معاونان آنها نیز جلسه‌ای در فوریه ۲۰۰۸ در آنتالیا تشکیل داده

بودند که در آن موضوع‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به این کشورها و طرح موضع واحد در برابر سیاست‌های خارجی مورد تأکید قرار گرفته بود (Daly, 2008). دومین اجلاس روسای پارلمان‌های کشورهای ترک زبان در سپتامبر ۲۰۰۹ در باکو برگزار شد (Anirova, 2009).

موانع فراروی پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی

با همه این‌ها و با وجود تلاش‌های گسترده ترکیه و سیاستمداران آن برای پیشبرد غیررسمی پروژه پان ترکی در آسیای مرکزی و قفقاز از راه همکاری‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و با وجود برخی موفقیت‌هایی که در این زمینه‌ها به‌ویژه در زمینه فرهنگی و اقتصادی داشته است، موانع عمده‌ای نیز بر سر راه سیاست‌های ترکیه و استراتژی استفاده از همبستگی قومی و زبانی در آسیای مرکزی وجود دارد. این موانع باعث شده است تا خوشبینی‌های اولیه جریان‌های پان‌ترکی نظیر حزب حرکت ملی و برخی سیاستگذاران دولتی و احزاب سیاسی در زمینه گسترش نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز و رسیدن به آرمان اتحاد اقتصادی، فرهنگی و در نهایت سیاسی کشورهای مذکور با ترکیه از میان برود. در میان این موانع می‌توان روی سه مانع اصلی تمرکز کرد که عبارتند از:

۱. عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی از برنامه‌های پان‌ترکی در ابعاد گوناگون آن؛
۲. رشد ایدئولوژی‌های رقیب با پان ترکیسم و همبستگی قومی در منطقه؛
۳. رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با نفوذ ترکیه.

عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی از برنامه‌های پان‌ترکی

برخلاف تصور بسیاری از هواخواهان و نظریه‌پردازان و فعالان جریان پان‌ترکی که بر همبستگی اقوام ترک‌تبار به عنوان یک آرمان کاملاً دست‌یافتنی تأکید می‌کردند و بر آن بودند که همه اقوام ترک‌تبار یا ترک زبان دارای احساس‌ها و گرایش‌های مشابه به خود آنها در زمینه استقبال از طرح‌های پان ترکی برای اتحاد ترک‌های جهان هستند، با گذشت حدود کمتر از دو دهه از فروپاشی اتحاد شوروی و تلاش‌های فعالانه محافل پان ترکی رسمی و تلاش‌های غیرمستقیم دولت ترکیه برای پیشبرد امر برادری و اتحاد ترک‌ها نشان داد که کشورهای منطقه

استقبال چندانی از برنامه‌های مذکور نکرده‌اند و آنگونه که باید پروژه پان ترکی به پیش نرفته است. این مسأله را در چند بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد.

الف - عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی از پروژه‌های پان ترکی

با وجود همراهی همیشگی جمهوری آذربایجان با برنامه‌های محافل پان ترکی در ترکیه، و با اینکه باکو و نخبگان پان ترکیست در حکم «کاسه داغ‌تر از آتش» عمل می‌کنند، سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی چندان تمایلی به سیاست‌های پان ترکی، چه به سیاست‌های غیررسمی ترکیه و چه فعالیت‌های آشکار گروه‌های پان ترکیست نشان نداده‌اند. این عدم تمایل را در چند رابطه می‌توان مشاهده کرد.

۱. عدم حضور در کنگره کشورهای ترک زبان

یکی از جلوه‌های عدم تمایل کشورهای آسیای مرکزی به پذیرفتن نقش «برادر بزرگ» برای ترکیه، مخالفت با سیاست‌های آن و از جمله دعوت‌های ترکیه و گروه‌های پان ترکیست ترکیه نظیر حزب حرکت ملی برای حضور در کنگره‌های سران ترک موسوم به «کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورها و اجتماعات ترک زبان» بوده است که شرح آن در صفحه‌های پیش ارائه شد. به جز اجلاس‌های اولیه، در بقیه جلسه‌های این کنگره برخی کشورهای آسیای مرکزی حضور نداشته‌اند. همین باعث شده است تا اجلاس کنگره برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه نتواند هر ساله تشکیل شود. در میان کشورهای آسیای مرکزی، به‌ویژه ازبکستان و ترکمنستان تمایل چندانی به برنامه‌های پان ترکی نداشته و در بسیاری از جلسه‌های کنگره از جمله اجلاس هفتم در استانبول در ۲۰۰۱ و برخی جلسه‌های دیگر حضور نداشته‌اند. مخالفت رهبران ازبکستان و ترکمنستان با برنامه‌های ترکیه و نقش آن به عنوان «برادر بزرگتر» به حدی بوده است که ترکیه آخرین اجلاس کنگره را به باکو منتقل کرد.

به علاوه هم ازبکستان و هم ترکمنستان به جای پان ترکیسم، بر ناسیونالیسم ازبکی و ترکمنی تأکید کرده و در پی اتحاد ترکمن‌ها و ازبک‌ها بوده‌اند تا ترک‌ها. این دو کشور روی هم رفته دیدگاه مثبتی نسبت به اجلاس نداشته‌اند (Salih, 2006). علاوه بر کنگره دوستی، برادری و همکاری، رهبران آسیای مرکزی نسبت به حضور در جلسه‌های اخیر انجمن بین پارلمانی کشورهای ترک زبان نیز تمایل چندانی نداشته‌اند. نخستین اجلاس این مجمع که با

تبلیغات گسترده رسانه‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان همراه بود تنها با حضور قرقیزستان، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه تشکیل شد (McMahon, 2005). علاوه بر این، برخی از کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه ازبکستان بر سر فعالیت گروه‌های پان ترکی در آن کشور به شدت با ترکیه اختلاف پیدا کرده‌اند. بسیاری از فعالان جریان‌های پان ترکی در سال‌های دهه ۱۹۹۰ در ازبکستان دستگیر و زندانی شده و جریان‌ها و شبکه‌های خبری پان ترکی تبلیغات گسترده‌ای را علیه ازبکستان به‌راه انداختند.

۲. مخالفت با سیاست‌های فرهنگی ترکیه

جلوه دیگر مخالفت کشورهای آسیای مرکزی با برنامه‌های پان ترکی و سیاست دولت ترکیه و جمهوری آذربایجان برای متحد ساختن کشورهای ترک زبان، عدم استقبال از سیاست‌های فرهنگی پان ترکی بوده است. با اینکه ترکیه در این کشورها به تأسیس مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها و تشکیل کلاس‌های ترکی استانبولی اقدام کرده است اما کشورهای آسیای مرکزی بر تقویت زبان‌های محلی ازبکی، ترکمن، قرقیزی و قزاق تأکید می‌کنند تا ایجاد زبان واحد ترکی مورد نظر آنکارا و باکو. این کشورها همچنین با پیشنهاد ترکیه برای تغییر الفبای ازبکی (روسی) به لاتین چندان استقبال نکردند. از میان این کشورها تنها آذربایجان، ترکمنستان و ازبکستان الفبای لاتین را انتخاب کردند. اما با همه اینها این کشورها خط خود را با خط موجود لاتین در ترکیه سازگار نکرده‌اند.

مخالفت با تغییر خط علاوه بر کشورهای آسیای مرکزی در جمهوری آذربایجان نیز که بزرگترین حامی پان ترکیسم در دوره معاصر است، مشاهده شده است. در جمهوری آذربایجان نیز افکار عمومی و برخی جریان‌ها و نخبگان از سیاست‌های پان ترکی دولت باکو حمایت نکرده و با آن مخالفت کرده‌اند. ناخشنودی بسیاری از نخبگان مذکور از عدم حمایت ترکیه از باکو در جریان جنگ با ارمنستان در دهه ۱۹۹۰ و اقدامات اخیر ترکیه در نزدیکی به ارامنه در همین رابطه بوده است (Kardas, 2008). حتی برنامه‌های فرهنگی دولت باکو که نشان از همراهی نخبگان حاکم با سیاست‌های پان ترکی داشته است چندان با استقبال عمومی مواجه نشده است. برای نمونه می‌توان به مسأله تغییر الفبا از روسی به لاتین اشاره کرد که با اعتراض جریان‌های سیاسی و نخبگان فرهنگی و سیاسی در جمهوری آذربایجان مواجه شد. از جمله آنها می‌توان به اعتراض حزب سوسیال دمکرات و حزب استقلال ملی در جمهوری آذربایجان به سیاست تغییر الفبا در سال ۱۹۹۳ اشاره کرد. به نوشته یکی از پژوهشگران مطالعات ترکی، «تقریباً

تمامی احزاب طرفدار استقلال (از شوروی) به تغییر الفبا و رفتن به سوی الفبای لاتین و توصیف زبان آذری به عنوان زبان ترکی به اتفاق آراء اعتراض کرده‌اند. (Turkistan Newsletter, 2005) اعتراض آنها این بوده است که زبان مرسوم در جمهوری آذربایجان تا سال ۱۹۳۶ ترکی نامیده می‌شد اما از آن زمان به بعد زبان آذربایجانی خوانده شد و این لقب نقش مهمی در برپایی دولت آذربایجان داشت (Azadliq, 1995). علاوه بر این بسیاری از شخصیت‌ها و جریان‌های مذهبی و پژوهشگران جمهوری آذربایجان به سیاست‌های پان‌ترکی دولت باکو که باعث رنجش ایران همسایه پر قدرت شد، و جمهوری آذربایجان را پیروی سیاست‌ها و پروژه‌های ترکیه ساخته است اعتراض دارند (همرنگ، ۱۳۸۴).

علاوه بر مسأله زبان و خط جلوه دیگر مخالفت کشورهای آسیای مرکزی با سیاست تاریخ نویسی دولت ترکیه برای جهان ترک بوده است. وزارت آموزش و پرورش ترکیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ که تب و تاب آرمان‌های پان ترکی بسیار قوی بود، برنامه بلندپروازانه‌ای را برای تدوین و بازنویسی کتاب‌های تاریخی برای همه کشورهای آسیای مرکزی، جمهوری آذربایجان و ترکیه مطرح کرده بود. اما به دلیل عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی و تمایل آنها برای تأکید به تاریخ ملی و تجربه تاریخی خاص خود این وزارتخانه ناچار شد بسیاری از برنامه‌های خود را برای تدوین و نشر کتاب‌های تاریخی واحد برای جهان ترک کنار بگذارد (Minrow, 1997). کشورهای آسیای مرکزی همچنین بر سر واژه «ترک‌گرایی» نظرهای متفاوتی با ترکیه و محافل پان‌ترکی داشته (Enganli Behar, 1996, pp. 21-2) و گاه نسبت به کاربرد آن اکره داشته‌اند. برای نمونه در سال ۱۹۹۵ بحث مهمی در ازبکستان درباره واژه ترکستان و کاربرد آن در مورد همه کشورهای آسیای مرکزی به راه افتاد. محافل دانشگاهی ازبکستان نظر خوبی درباره این واژه نداشته‌اند (Kerimov, 1995). ازبک‌ها همچنین نام «مرکز پژوهش‌های ترکستان»^۱ را تغییر داده و «مرکز پژوهش‌های آسیای مرکزی»^۲ خواندند.

۳. نپذیرفتن کانال ترکیه برای ارتباط با غرب

کشورهای آسیای مرکزی همچنین با طرح اولیه ترکیه برای ارتباط با غرب از کانال آنکارا چندان سرسازش نداشته‌اند. گرچه در ابتدا برای خروج از انزوا و ورود به جهان و عرصه بین‌المللی با ترکیه همراهی کردند، اما بعدها ترجیح دادند بطور مستقیم با غرب (آمریکا و

^۱. Turkestan research Center

^۲. Central Asia Research Center

اروپا) و اسرائیل رابطه برقرار کنند. این کشورها نیز خود به برقراری رابطه مستقیم با کشورهای آسیای مرکزی اقدام کرده‌اند. روابط گسترده اسرائیل با آسیای مرکزی (ارس، ۱۳۷۸) و تماس‌های مستقیم آمریکا با کشورهای منطقه به‌ویژه پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر و افغانستان طرح ترکیه را برای تبدیل کانال ارتباط با غرب تا حد زیادی تضعیف کرده است. گرچه ترکیه همچنان برای عضویت این کشورها به ناتو تلاش می‌کند اما چندان موفق نبوده و کشورهای غرب نیز نسبت به سیاست‌های ترکیه بدبین بوده‌اند (Weitz, 2006).

ب- رشد ایدئولوژی‌های رقیب پان ترکیسم در آسیای مرکزی

یکی از عوامل عدم استقبال کشورها و مردم آسیای مرکزی از ایدئولوژی و آرمان پان ترکیسم و سیاست‌های دولت ترکیه برای اتحاد کشورهای ترک زبان، وجود ایدئولوژی‌های رقیب با پان ترکیسم در این منطقه بوده است. در این زمینه می‌توان از دو جریان ایدئولوژیک نام برد: نخست ناسیونالیسم محلی، دوم اسلام‌گرایی.

۱. ناسیونالیسم محلی در برابر پان ترکیسم

حامیان و فعالان جریان پان ترکیسم در ترکیه و سایر نقاط به‌ویژه جمهوری آذربایجان که در ابتدا بر محور اعتقاد خود به محبوبیت پان ترکیسم و حمایت از مسأله اتحاد ترک‌های جهان در میان اقوام ترک زبان آسیای مرکزی، از پیروزی قریب الوقوع خود در پیوند کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بر محور همبستگی و اتحاد ترک سخن می‌رانند، به تدریج با واقعیت تلخی مواجه شدند، که نه تنها همچون رقیب بلکه بتدریج به عنوان دشمن پان ترکیسم ظاهر شد. این جریان ایدئولوژیک ناسیونالیسم محلی بود که در هر یک از جمهوری‌های آسیای مرکزی عامل بسیج و حمایت سیاسی نخبگان حاکم شد. هریک از نخبگان حاکم در کشورهای منطقه برای تداوم اقتدار خود آرمان‌های سوسیالیستی پیشین را رها کرده و به‌جای گرایش به آرمان پان‌ترکی و اتحاد بر محور آن، به سوی خلق هویت‌های سیاسی جدید بر محور ناسیونالیسم قومی رفتند.

به این ترتیب بود که در همان سال‌های نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ ناسیونالیسم قزاق، قرقیز، ازبک و ترکمن در برابر ایدئولوژی فراملی - پان ترکیسم قرار گرفتند. هریک از نخبگان سیاسی این کشورها نیز خود را در حکم قهرمانان و نجات‌دهندگان ملت خود و پدر ناسیونالیسم

محلی قلمداد می‌کردند. در این زمان بود که ترکمن باشی رهبر و پدر ترکمن‌های جهان و اسلام کریم‌اف پدر ازبک‌ها قرار گرفت. همین فرایند در میان قرقیزها و قزاق‌ها نیز قابل مشاهده است. علاوه بر این سیاست‌های ترکیه برای محور قراردادن آنکارا در بروز اتحاد و همبستگی ترکیه، نه تنها نخبگان سیاسی حاکم بلکه برخی از متفکران و حامیان پان‌ترکیسم محلی در این کشورها را با ترکیه بیگانه ساخت (Bokayeva, 2007).

قزاق‌ها، قرقیزها، ازبک‌ها و ترکمن‌ها از پذیرش ترکیه به عنوان برادر بزرگتر پرهیز داشتند. به این ترتیب اصولاً کشورهای آسیای مرکزی به مفهوم «ترکیسم» و ترک‌گرایی به تعبیری که ترکیه در نظر داشت به دیده مساعد نمی‌نگریستند، و دیدگاه‌های خود را در رابطه با ترک بودن مطرح می‌کردند (ولیدی طوغان، ۱۳۷۵).

۲. اسلام‌گرایی

شاید بتوان اسلام‌گرایی را رقیب اصلی پان‌ترکیسم و حتی ناسیونالیسم محلی در آسیای مرکزی دانست. رشد سریع جنبش‌های اسلام‌گرایی چون نهضت اسلامی در تاجیکستان و حزب التحریر اسلامی یا نهضت اسلامی ازبکستان نشانگر وجود یک جریان رقیب بسیار قدرتمند فراملی در آسیای مرکزی بوده است. اصولاً باید به این نکته مهم اشاره کرد که اعتقادات دینی از آغاز از قرن بیستم تأثیر بسیار بیشتری بر افکار عمومی آسیای مرکزی داشته است تا جریان‌های ناسیونالیسم قومی-محلی یا ناسیونالیسم فراملی پان‌ترکیسم.

به همین دلیل بود که رهبران پان‌ترکیست ترک‌های جوان در سال‌های پس از جنگ جهانی اول بیشتر در پوشش اتحاد اسلامی و انگیزه‌های مذهبی به فعالیت‌های سیاسی پان‌ترکی در آسیای مرکزی مشغول بودند. مشارکت افرادی چون انور پاشا در نهضت باسماچی در همین ارتباط بود. امروز نیز این مسئله بسیار آشکار است به گونه‌ای که برخی ایجاد دولت‌های اسلامی و یا یک دولت اسلامی یکپارچه در آسیای مرکزی را جایگزین واقع‌گرایانه‌تری به جای پان‌ترکیسم می‌دانند. قدرت برخی از این جنبش‌های اسلامی همچون حزب التحریر اسلامی و یا نهضت اسلامی ازبکستان به قدری بوده است که پایه‌های رژیم‌های ازبکستان را به لرزه درآورد (ارس و کاه، ۱۳۸۱، صص ۸۳-۵۹). قیام مسلحانه نهضت اسلامی ازبکستان در آذربایجان در سال‌های اخیر نمونه عمده قدرت گروه‌های اسلام‌گرا بوده است.

قدرت اسلام‌گرایی به عنوان رقیب اصلی پان‌ترکیسم در خود ترکیه نیز قابل مشاهده است. در حالی که حزب اصلی پان‌ترکی در ترکیه یعنی حزب حرکت ملی قدرت خود را از داشتن

چند کرسی در پارلمان فراتر نبرده است، گروه‌های اسلام‌گرای ترکیه همچون حزب رفاه در ۱۹۹۶ و حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲ قدرت را به تنهایی بدست آورده‌اند. محافل پان‌ترکی چون حزب حرکت ملی و رهبر آن دولت باغچیلی هیچگاه محبوبیت عمده‌ای نه در ترکیه و نه در کشورهای آسیای مرکزی پیدا نکرده‌اند.

این در حالی است که گروه‌ها و نهضت‌های اسلام‌گرای ترکیه همچون فتح‌الله گولن از محبوبیت فراوانی هم در ترکیه و هم در آسیای مرکزی برخوردار است و فعالیت‌های خیریه او در جمهوری‌های آسیای مرکزی زبانزد همه شده و نوشته‌های زیاد پیرامون اندیشه‌ها و فعالیت‌های او در داخل و خارج ترکیه انتشار یافته است (Balci, 2002). به نظر می‌آید که افرادی چون گولن یا طاهر یولدش رهبر جنبش اسلامی ازبکستان و یا جمعه نمگانی رئیس شاخه نظامی جنبش محبوبیت بیشتری از دولت باغچیلی دارند. در واقع امروز کشورهای آسیای مرکزی شاهد مبارزات دو جریان رقیب یکدیگر یعنی ناسیونالیست‌های محلی و اسلام‌گرایان هستند (Cheterian, 2005) تا شاهد موفقیت‌های جریان‌های حاشیه‌ای پان‌ترکی.

ج- رقیب‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترکیه

سومین عامل مهمی که در برابر آرمان‌های پان‌ترکی در آسیای مرکزی سد ایجاد کرده است وجود قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و جهانی برای ترکیه است. ترکیه پس از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و به‌دنبال آغاز نخستین گردهمایی‌های رهبران این کشورها در کنگره دوستی، برادری و همکاری کشورهای ترک زبان، حساسیت بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برانگیخت. از میان قدرت‌های منطقه‌ای می‌توان به ایران اشاره کرد که به نوشته بسیاری از پژوهشگران رقبای اصلی بر سر کسب نفوذ در منطقه هستند و در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با یکدیگر رقابت می‌کنند (Efeğil, 2003).

از آنجا که ایدئولوژی پان‌ترکیسم دارای جنبه‌های الحاق‌گرایانه و ضد ایرانی است، ایران به هرگونه برنامه‌های عملی ترکیه برای نزدیکی به منطقه حساس است و در صورت لزوم مانع آن می‌شود. مخالفت شدید ایران با طرح واگذاری منطقه قره‌باغ به ارمنستان و گرفتن ناحیه جنوبی ارمنستان هم مرز ایران برای جمهوری آذربایجان از آن جمله بوده است. با این همه ایران نیز به دلیل پی‌گیری سیاست‌های اسلام‌گرایانه عامل نگرانی کشورهای منطقه شده و

به‌علاوه مخالفت آمریکا و غرب با هرگونه نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه اطراف دریای خزر، قدرت رقابت ایران با ترکیه را کم کرده است.

در کنار ایران کشورهای دیگری همچون پاکستان و عربستان سعودی و حتی هند برای نفوذ در آسیای مرکزی با ترکیه رقابت می‌کنند. عربستان سعودی به‌ویژه تلاش می‌کند از بعد مذهبی به منطقه آسیای مرکزی نفوذ کند و رشد رادیکالیسم اسلامی افراطی در این منطقه تا حدی نشانه نفوذ عربستان و مکتب وهابی‌گری است (Rashid, 2001). هند و پاکستان نیز به همین‌گونه برای نفوذ اقتصادی و فرهنگی در آسیای مرکزی تلاش می‌کنند و برخی تحلیل‌گران حمایت پاکستان از طالبان در افغانستان را در راستای همین سیاست راه‌یابی به آسیای مرکزی تحلیل کرده‌اند (Farhadian, 2009). هندوستان نیز با توجه به نفوذ فرهنگی در آسیای مرکزی از دوران کمونیستی به بعد و با توجه به اینکه بتدریج به یک قدرت منطقه‌ای و صنعتی نیز تبدیل می‌شود، می‌تواند برای ترکیه رقیب قدرتمندی محسوب شود. نفوذ گسترده فرهنگ، موسیقی و سینمای هند در آسیای مرکزی بسیار فراتر از نفوذ هنر و سینمای ترکیه است.

با این همه رقبای اصلی‌تر ترکیه در آسیای مرکزی، روسیه و چین هستند. نفوذ گسترده روسیه بر کشورهای آسیای مرکزی به لحاظ نظامی و فرهنگی و وجود جمعیت روس زبان در تمامی این جمهوری‌ها باعث شده است تا رهبران آنها نگرانی روسیه و ناخشنودی آن از نفوذ ترکیه و غرب را در میان این کشورها مورد توجه قرار دهند و روابط خود با مسکو را همچنان محکم نگهدارند. روسیه همیشه تحولات مربوط به تلاش‌های ترکیه برای نزدیکی به آسیای مرکزی و به‌ویژه برنامه‌های دارای رنگ و بوی پان‌ترکی آن در برپایی نشست‌های سران این کشورها را با نگرانی دنبال می‌کرده است.

همین باعث شده است تا برخی تحلیل‌گران روسی به مسکو درباره جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک رو به رشد ترکیه در آسیای مرکزی هشدار دهند (احمدی، ۱۳۷۷). روسیه که از دوران کمونیستی و پیش از آن نسبت به گسترش آرمان‌های پان‌ترکی در آسیای مرکزی و قفقاز حساس بوده است (Torbakov, 2006)، حضور ترکیه را بیشتر در راستای حضور غرب و آمریکا تفسیر می‌کند. تمایل ترکیه به عنصر کنترل کشورهای آسیای مرکزی نیز عامل اصلی نگرانی روسیه و هشدارهای آن به باکو و استانبول بوده است.

در کنار روسیه می‌بایست به نفوذ بسیار گسترده چین به لحاظ اقتصادی و سیاسی در آسیای مرکزی اشاره کرد که برخی آن را بزرگترین رقیب ترکیه می‌خوانند. حساسیت چین

نسبت به پان ترکیزم و به‌ویژه حمایت‌های جریان‌های پان‌ترکی از جنبش جدایی‌خواهانه مسلمانان ترک تبار شرق چین در سنین کیانگ و یا اوغورها، سال‌ها است که باعث ناخشنودی چین از ترکیه و پان‌ترکیست‌ها بوده است. بدیهی است که چین برای تأمین امنیت ملی خود از نفوذ اقتصادی خود در آسیای مرکزی به منظور ختنی سازی پروژه‌های پان‌ترکی استفاده خواهد کرد. حضور گسترده چین در آسیای مرکزی به‌ویژه پس از شکل‌گیری پیمان شانگهای که کشورهای آسیای مرکزی نیز به همراه ایران در آن عضویت دارند، نشانه حساسیت چین به حضور ترکیه و پی‌گیری احتمالی آرمان‌های پان‌ترکی بوده است.

در نهایت می‌بایست از غرب یعنی ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا نیز به عنوان رقیب و موانع مهم پیشرفت پان‌ترکیسم و اتحاد کشورهای ترک زبان اشاره کرد. اصولاً محافل و نظریه‌پردازان پان‌ترکیست همیشه از حساسیت غرب نسبت به ایدئولوژی جاه‌طلبانه و الحاق‌گرایانه پان‌ترکیسم نگران بوده و به گروه‌های پان‌ترکیست در رابطه با احتمال اقدام‌های غرب برای جلوگیری از نفوذ پان‌ترکیسم و به‌ویژه نفوذ دولت ترکیه هشدار داده و آنها را به در پیش گرفتن احتیاط توصیه کرده‌اند (زیان بدرالدین، ۱۳۸۵، صص ۴-۳۷۱).

غرب نیز همانند روسیه در نهایت پان‌ترکیسم را نوعی ایدئولوژی فاشیستی و افراطی می‌داند و در برابر هرگونه تمایل الحاق‌گرایانه آن و ایجاد وحدت احتمالی کشورهای ترک زبان واکنش نشان خواهد داد. تلاش‌های گسترده آمریکا برای حضور مستقیم در آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان را باید در همین راستا با هدف کم کردن نفوذ ترکیه تعبیر کرد. اسرائیل نیز گرچه از ابزار ترکیه برای نزدیکی به این جمهوری‌ها به‌ویژه جمهوری آذربایجان استفاده کرده است (World Tribune, 2004)، اما در نهایت سیاست و روش مستقل خود را برای حضور در منطقه در پیش گرفته است. با توجه به حضور مستقیم آمریکا در آسیای مرکزی، نظریه کانال ترکیه سودمندی خود را از دست داده است.

اتحادیه اروپا نیز به همین‌گونه نگرانی‌های خود را نسبت به اهداف ترکیه در آسیای مرکزی بیان کرده و با طرح‌ها و اقدام‌های دارای رنگ و بوی پان‌ترکی آنکارا در منطقه مخالفت کرده است. تلاش‌های ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا نیز باعث شده است تا دیدگاه‌های اتحادیه نسبت به سیاست‌های آنکارا در آسیای مرکزی و قفقاز برای نخبگان سیاسی و دولت ترکیه مهم قلمداد شود.

برای نمونه می‌توان به انتقاد اتحادیه اروپا از اقدام اخیر ترکیه برای لغو ویزا جهت بازدید مسافران آسیای مرکزی از ترکیه اشاره کرد. براساس این تصمیم ساکنان آسیای مرکزی برای سفرهای کمتر از سی روز به ترکیه نیازی به گرفتن ویزا ندارند. اتحادیه اروپا که خواستار هماهنگی میان سیاست‌های صدور ویزا در کشورهای عضو خود است این حرکت ترکیه را مورد انتقاد قرار داده و در بررسی عضویت آن در اتحادیه موثر دانسته است (Worldbulletin, 2008).

د- تردید درباره موفقیت پان‌ترکیسم: ترکیه بر سر دو راهی

سرانجام چهارمین مانع مهم پیشرفت پان‌ترکیسم در آسیای مرکزی را باید در سیاست‌های خود دولت ترکیه جستجو کرد. وجود سه عامل مورد بحث به‌ویژه حساسیت غرب و کشورهای منطقه به برنامه‌های ترکیه در آسیای مرکزی از یکسو و ناتوانی اقتصادی ترکیه در پیشبرد پروژه پان‌ترکیسم در منطقه از سوی دیگر و در نهایت عدم موفقیت آرمان‌های پان‌ترکی در آسیای مرکزی باعث شده است تا احزاب سیاسی و رهبران ترکیه اصولاً نسبت به سیاست‌های پان‌ترکی و احتمال موفقیت آنها ابراز تردید کنند.

این نکته به‌ویژه به سیاست ترکیه به پیوستن به اتحادیه اروپا مربوط است. ترکیه بیشترین تلاش خود را متوجه سیاست خارجی غرب محور کرده است تا سیاست خارجی شرق محور و مبتنی بر جهان ترک. اظهار نظر برخی تحلیل‌گران ترک در رابطه با عدم موفقیت مورد نظر طرح‌های ترکیه در آسیای مرکزی از همین مسأله ناشی می‌شود (Aras, 2008). شاید در راستای همین سیاست واقع‌گرایانه بوده است که ترکیه در سال‌های اخیر سعی کرده است تا روابط خود را با روسیه، ایران و این اواخر ارمنستان بهبود بخشد. این ابتکارها عامل نارضایتی محافل و جریان‌های پان‌ترکی در ترکیه و جمهوری آذربایجان شده است. روسیه به عنوان صادرکننده اصلی انرژی به ترکیه از این ابزار برای اعمال نفوذ بر مقامات آنکارا بهره گرفته است. روی کار آمدن گروه‌های اسلام‌گرا در ترکیه نیز عامل واقع‌گرایی بیشتر ترکیه و رفتن به سوی روسیه شده است. این روابط به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی چشمگیر بوده است. به‌گونه‌ای که روسیه با داشتن حجم تجارت ۱۵ میلیارد دلاری با ترکیه در سال ۲۰۰۵ به دومین شریک تجاری ترکیه پس از آلمان تبدیل شده است.

پیش از آمدن اسلام‌گرایان نیز در جریان سفر ولادیمیر پوتین به ترکیه در دسامبر ۲۰۰۴ شش قرارداد و توافق همکاری میان دو کشور در زمینه‌های انرژی، امور مالی و امنیتی امضاء شد (Weitz, 2006, p. 3). بدیهی است که نزدیکی به کشورهای چو روسیه، ارمنستان و ایران که از نظر پان‌ترکیست‌ها در آنکارا و باکو دشمنان اصلی ملت ترک می‌باشند، باعث سرخوردگی جریان‌های پان ترکی شده است. علاوه بر این نزدیکی ترکیه به روسیه و ایران نگرانی غرب و به‌ویژه ایالات متحده را نیز برانگیخته است (Turkish Press, 2007).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پان‌ترکیسم نیز همانند بسیاری دیگر از ایدئولوژی پان در زمره ناسیونالیسم رمانتیک قرار می‌گیرد که در جوامع گوناگون از طرف گروه کوچکی از جریان‌های سیاسی دنبال می‌شود. با این همه در مقایسه میان پان‌ترکیسم با سایر ایدئولوژی‌های پان نظیر پان‌اسلاویسم، پان‌عربیسم، پان‌یهودیسم (صهیونیسم) یا پان‌ایرانیسم، ایدئولوژی پان‌ترکیسم از شدت بسیار بیشتری از رمانتیک‌گرایی آرمان‌گرایانه برخوردار است و دامنه رویاهایش برای ایجاد یک امپراطوری جدید ترک از شرق چین تا شرق اروپا، از گستره سرزمینی همه ناسیونالیسم‌های رمانتیک معاصر فراتر می‌رود. به دلیل پان‌ترکیسم در تمامی مراحل عملی خود با شکست و ناکامی مواجه شده است. در دوره ترک‌های جوان این رویا باعث انحراف سیاست‌های امپراطوری شد و آن را به فروپاشی کشاند و در دوره پس از فروپاشی شوروی نیز طرفداران آن را با مشکلات فراوان مواجه کرد.

در این پژوهش که بر تبدیل پان‌ترکیسم به بخشی از سیاست‌خارجی ترکیه امروز تمرکز کرده است، به اقدام‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه و جریان‌های پان‌ترکی برای ایجاد اتحاد و همبستگی میان کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان پرداختیم. با این همه بر سر راه سیاست‌خارجی مبتنی بر دنیای ترک (ترک‌دینا) یا پان‌ترکیسم موانع گسترده‌ای وجود دارد که آنها را یکایک مورد بررسی قرار دادیم. عدم استقبال کشورهای آسیای مرکزی از ابتکارهای و بلندپروازی‌های ترکیه در بهره گرفتن از نقش برادر بزرگ‌تر در اتحاد میان کشورهای ترک زبان، وجود ایدئولوژی‌های رقیب در داخل و خارج ترکیه که اقتدار و پایگاه مردمی پان‌ترکیسم را با چالش اساسی مواجه می‌سازند (به‌ویژه

اسلام‌گرایی و ناسیونالیسم محلی)، و رقابت‌های گسترده با حضور ترکیه در آسیای مرکزی از سوی کشورهایایی چون ایران، چین، روسیه و حتی خود غرب و سرانجام سرخوردگی خود ترکیه و قرار گرفتن بر سر دو راهی انتخاب سیاست خارجی مبتنی بر پیوستن به اتحادیه اروپا یا رفتن به سوی اتحاد جهان ترک مهمترین این موانع بود.

در این پژوهش تأکید شده است که گرچه ترکیه هیچگاه به‌طور رسمی سیاست‌های پان‌ترکی را به عنوان سیاست خارجی خود اعلام نکرده و امروزه نیز به دلیل ضعف اقتصادی و مشکلات دیگر ناشی از وجود موانع گوناگون بیشتر به سوی سیاست غرب محور یعنی پیوستن به اتحادیه اروپا متمایل است، اما با توجه به جذب ایدئولوژی پان‌ترکی و سهولت تبدیل آن به ابزار کسب قدرت ملی و منطقه‌ای و با توجه به فعال بودن جریان‌های پان‌ترکی در ترکیه و جمهوری آذربایجان و تداوم تشکیل نشست‌های سالیانه سران کشورهای ترک زبان و روسای پارلمانی آنها و نیز ابتکارهای باکو در تشکیل کنگره‌های آذربایجانی‌های جهان، ایران نباید چالش برآمده ناشی از این ایدئولوژی الحاق‌گرایانه را نادیده بگیرد. ضرورت توجه به منافع ملی ایران در بیرون از مرزها و نیز دخالت‌های جریان‌های پان‌ترکی باکو و گاه ترکیه در تشویق گرایش‌های مشابه در میان برخی محافل کوچک آذری‌های ایران، دولت و جامعه روشنفکری و علمی ایران را بر آن می‌دارد تا این پدیده و تحرک‌های آن را به دقت تحت نظر بگیرند و تهدید علیه منافع ملی کشور را هر چند کوچک از دید پنهان ندارند. از آنجا که گسترش پان‌ترکیسم در منطقه بیش از هر کشوری منافع ایران را تهدید می‌کند، بردولت و نخبگان فکری و سیاسی ایران است تا از چالش‌های بالفعل و بالقوه این پدیده غافل نباشد.

منابع و ماخذ

الف - فارسی

۱. احمدی، حمید(مرداد و شهریور ۱۳۷۷)، "طالبان: ریشه‌ها، علل ظهور و عوامل رشد"، **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۱۳۲-۱۳۱.
۲. ارس، بولنت و عمر کاه(زمستان ۱۳۸۱)، "جنبش اسلامی لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن"، ترجمه سید اسدالله اطهری، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۳۲.
۳. ارس، بولنت(۱۳۷۸)، "استراتژی اسرائیل در جمهوری آذربایجان و آسیای میانه"، ترجمه حمید احمدی، **فصلنامه مطالعات خاور میانه**، شماره ۲.

۴. زیان بدرالدین، صابر (۱۳۸۵)، "پان ترکیزم؛ گذشته، حال و آینده آن"، لاندو، چیکوب، **پان ترکیزم: یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری**، ترجمه حمید احمدی تهران: نشر نی.
۵. زیبا کلام، صادق (۱۳۸۰)، "اسلام، ناسیونالیسم و اصول‌گرایی در جهان عرب"، **فصلنامه مطالعات خاور میانه**، شماره ۲۵.
۶. گوگالپ، ضیا (۱۳۵۱)، "اندیشه‌های ضیاکوگ آلپ در بحث تمدن شرق و غرب و تعلق ترکها به تمدن غربی" در: **ناسیونالیسم ترک و تمدن باختر**، ترجمه فریدون بازرگان، تهران: موسسه فرهنگی منطقه ای.
۷. لاندو، چیکوب (۱۳۸۵)، **پان ترکیزم: یک قرن در تکاپوی الحاق‌گری**، ترجمه حمید احمدی تهران: نشر نی.
۸. ولیدی طوغان، زکی (۱۳۷۵)، **قیام باسماچیان**، ترجمه علی کاتبی، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
۹. همرننگ، ناصر (۱۳۸۴)، از بادکوبه و چیزهای دیگر، یادداشتهای سفر به جمهوری آذربایجان، تبریز: جمعیت وطن.

ب- انگلیسی

1. Bokayeva, Aigul (2007), **Pan Turkism in Kazakhstan**, Kazakhstan: Karaganda State University.
2. Daly, John. C.K. (2007), "Pan-Turkism Takes Step Forward in Eurasia", **Eurasia Daily Monitor**, Vol.5, No. 39
3. Erganlı Behar, Busra (1996), "Turkism in Turkey and Azerbaijan in 1990s", **Eurasian Studies**. Vol. 3. No.3.
4. Esfandiari, Golnanz (), "Iran, Turkey Struggle to Influence Central Asian Region", available at: <http://payvand.com/news/05/Oct/1217.html>.
5. Farhadian, Ali Akbar (2009), "Uzbekistan to Lead Anti-Fundamentalist Drive in Central Asia", available at: <http://www.iran-press service.com/articles/karimov.html>.
6. Kardas, Saban (2008), Turkey Pushes for Closer Political Ties Within the Turkish-Speaking World", **Euroasiian Daily Monitor**, Vol. 5. Issue. 225.
8. Kerimov, Islam (1995), **Turkistan Our Common Home**, (Tshkint,)
9. Mamedli, Natic (2003), "Integration Issues at Summits of the Turkic Spaking States, CA&CC Press.
10. Memahon, Robert (1 July, 2005), "Uzbekistan: Opposition Figure Appeals For Democratization Aid", **Turkistan Newsletter**.
11. **Radio Free Europe Radioliberty**, Turkei-Speaking Countries to Hold Summit in Baku, available at: <http://www.rferl.org/articleprintview>.
12. Silkroacl Studies Program (2007), "What Future does Turkey have in Central Asia and Caucasus?", **Central Asia-Caucasus Instilute**, available at: http://www.Silkroadstudies.org/news/inside/forum/CACI_2007_1119.html.

13. **Silkroad Studies Program**(2007), "What Future does Turkey have in Central Asia and Caucasus?", available at: Central Asia-Caucasus Institute, available at: http://www.Silkroadstudies.org/news/inside/forum/CACI_2007_1119.html.
14. Today zaman, "Erdogan Proposes Union of Turkish-Speaking States, available at: <http://www.worldbulletin.net>
15. Turkey Implements Non-Visa Policy in Central Asia, <http://www.worldbulletin.net/net>.
16. Weitz, Richard (Summer 2006), "Toward a New Turkey-NATO Partnership in Central Asia", **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 5. No. 2.
17. Weitz, Richard (Summer 2006), "Toward a New Turkey-Nato Central Asia", **Turkish Policy Quarterly**, Vol .5, No. 2
18. **Dilimiz Varligimizdir," Azadliq (2 May, 1995), Cited in Ibid**
19. Minrow, Gareth M. (July 1997), "Turkey and the Newly Independent States of Central Asia and the Transcaucasus", **Meria Journal**, Vol.1, No.2.
20. Rashid, Ahmed (April 2001), The fires of faith in Central Asia, **World Policy Journal**.
21. Balci, Bayram (11 April, 2002), "Central Asia: Fetullah Gulen's Missionary Schools", **ISLM News Letter**.
22. Efeçil, Ertan (April 2003), "Iran nad Turkey in Central Asia: Opportunities for Rapprochement in the Post-War Era", **Journal of Third World Studies**.
23. Saidazimova, Gulnoza (10 October, 2004), "Uzbekistan: Detentions Highlight Ongoing Crackdown in Andijon".
24. Cheterian, Vicken (March 2005), "Torn between Nationalists and Islamist: Central Asia's five Fragile States", **Le Monde Diplomatique**.
25. Turkistan Newsletter (Tue, 28 Jun 2005), "Uzbekistan: Fear of Emminent Executions".
26. Salih, Muhammad (20 Jan, 2006), "Prospects for Political and Economic Change in Uzbekistan", **Turkistan Newsletter**.
27. Torbakov, Igor (22 September 2006), "Russian Pundits Wary of Ankara's Revived Geopolitical Ambitions in Euroasia", **Euroasia Daily Monitor**, Vol. 3. Issue.175.
28. **Kazinform official News Agency** (June 13, 2007), "Turkey-Kazakhstan Cooperation in Language".
29. **Turkish Press** (11/20/2007), "Turkey's Influence in Central Asia Discussed in Washington",
30. Bulent Aras (18 May 2008), "Turkish Policy toward Central Asia", **Turkish Weekly**.
31. Kardas, Saban (Nov 23, 2008), "Turkey Pushes for Closer Political Ties within the Turkic-Speaking World", **Eurasia Daily Monitor**, Vol.5, No. 225.
32. Anirova, K. (April 15, 2009), "Second Summit of Head of Parliaments of Turkic-Speaking States to be Held in Baku in Autumn", **Trend News**.
33. Israel, Turkey Plan Joint Weapons Deals for Azerbaijan" (Feb 2, 2004), Available at: [World Tribune.co](http://www.WorldTribune.co)

